

# نویسند

(( فوق العاده ))

سال سوم، شماره ۲۸، پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷

مردم در کوچه ها و خیابان های قم با خون شهدای خود بر دیوارها تهنیت شدند :

## پامرگ، یا آزادی

نبرد رویاروی شاه با خلق به اوج بی سابقه ای رسیده است. کشتار بی رحمانه درها آزاد یخواه در شهرهای طفیان کرده قم و تبریز و کازرون و شیراز و خاك و خون کشیدن صدها مین برست در تظاهرات پیر دامنه نبرد دریاری و نبرد اختناقی در بیش از ۲۵ شهر کشور، نشانه وحشت عمیق و سمیت چون آمیزش نبرد خلقی و متزلزلی است که می خواهد فاصله عمیق خود را با مردم به ستو آمده با خون و جسد بر کند و فقدان بیایگاه خود را در میان توده با سرنیزه و سرب و باروت جبران نماید. دامنه وسیع این یورش و کشتار در عین حال نمایانگر گسترش روز افزون جنبش آزاد یخواهی و عزم و جانبازی بی دریغ مین برستان برای برچیدن بساط پلید دیکتاتوری لگام گسیخته است.

در جنبش عظیم روزهای اخیر بیش از صد هزار نفر در شهرهای کوچک و بزرگ گلیه رژیم شاه ساواک قیام کردند. در بیشتر شهرها قیام کنندگان با مشت های گره کرده، با چوب و پاره سنگ، بیسه صفوف گرازی های مسلح شاه، به تفنگ ها و مسلسل ها و حتی به تانک ها و زرهیوش ها حمله کردند. این عاصیان استیداد در حالی که خشم و نفرت خویش را از جلا د تا حد اریران و عشق و آرزوی سوزنا آزادی را در شعارهای هیجان انگیز، فریاد می کشیدند، در کوچه ها و خیابان های قم با خون شهدای خود بر دیوارها نوشتند: " پامرگ، یا آزادی... "

و همین دهان خون آلود خلقی بود که شعار قهرادر تبریز و کازرون و شیراز و مشهد و دیگر شهرها و مراکز قیام، تکرار کرد و ناگهان در مراسم مین رنج دیده وزیر صمیم ما، غرش جا، ویدان و باشکوهی طین انداخت:

— یا مرگ، یا آزادی... —

این شعار گلگون آخرین سخن خلق های مابه دلک ها و ممرکه گیران دریاری و داروغه ها و زخمیان استیدادی بود. خون شهدا، قم و تبریز و کازرون چون دریایی که از موج نی افتد، در شعارهای کوچ و بازار می تپید و همه مبارزان صرف نظر از عقیده و آرمان و مسلک و خاستگاه طبقاتی آن ها، به زیر درفش یگانه ای که از خون ورنج خلق بر فراز سنگ آزادی به اهتزاز در آمده بود، فرای خواند.

جنبش و قیام سراسری روزهای اخیر که به خون و حماسه آمیخت،

روز سوگواری و فریاد اعتراض مردم به مناسبت چهلمین روز شهدای یزد و جهرم و کاشان بود، اما در تخیم سوگواری خلق رابه سوگواری دیگری تبدیل کرد. او به روی مردم غزاد ارانش کشود، کماند و های مسلح و توپ و تانک و هلیکوپتر های مجهزه مسلسل خود را بسه استقبال شرکت کنندگان مراسم عزاد فرستاد و به این ترتیب بی آن که خود بداند، مراسم چهلمین روز شهدا رابه يك سنت مبارزاتی، به يك میعاد قیام و نبرد بدل کرد. چله شهدای سال گذشته قم، در تبریز برگزار شد، چله شهدای تبریز، پیش در آمد چله شهدای کاشان و جهرم و یزد بود و چله شهدای این سه شهر مجروح در ۲۵ شهر در خون ولاله های سرخ شکفت و اینک همه می پرسند: چله شهدای قم و تبریز و کازرون در کجا خواهند بود؟ تمامی شهرها؟ سراسر کشور؟

خبرنگاران نوید و مبارزان توده ای که در اکثر شهرها و ش به دوش افتاد و طبقات مختلف مردم در تظاهرات و زود و خورد های خیابانی و ستیزارتنش خلق و نبرد خلق شرکت داشتند، تعداد شهدای قیام قم را بیش از ۴۰ نفر، شهدای تبریز و دانشگاه آن را آبادگان را در حدود ۱۰ نفر و شهدای کازرون راه نفر گزارش داده اند. در این سه شهر نیز شهرهای شیراز، مشهد، اصفهان، تهران، کاشان، کرمان، بهبهان، قزوین، کرج، ساری، بابل، یزد، کرمانشاه، اهواز، شعیران و دیگر شهرهای به تلاطم در آمده صد ها نفر مجروح و صد ها نفر دستگیر شده اند. شهرهای قسم و تبریز و شیراز به صورت شهرهای اشغال شده در آمده اند و کامیون های پلیس و ارتش و تانک ها و زرهیوش ها در خیابان ها و مراکز مهم شهر مستقر شده اند. در این شهرها عملا مقررات حکومت نظامی شدید و خشنی به اجراء آمده و توقیف مردم در منازل و کوچه و خیابان ها و تفتیش خانه ها با بی شری حیرت آوری ادامه دارد. گزه ها و گماشته های رژیم، آن آزادی را که شاه مدعی باز شدن فضای آنست، در ایضارها و یورش های خود در بسه خاك و خون کشیدن مردم بی سلاح تفسیر می کنند. آزادی مرحضتی دیکتاتورها همیشه آزادی جلا دها، زندانبانان، آدکشان حرفه ای بوزینگان سیاسی و زدها و قداره بندان بوده و هست. آزادی مرحضتی شاه، آزادی بعب اندازان و آدم ربایان شعبه ساواکی کویته زیر زمینی انتقام و سازمان دفاع به اصطلاح غیر نظامی (" نیسروی پایداری") و اوپاشان و جاشو کشانی است که هر چند گاه از استیسن